

## ✦ جنجالی روز

### سقوط مرگبار مجسمه ۳۰۰ کیلویی بر سر نوجوان اراکی

سقوط مجسمه مرگ دلخراش نوجوانی ۱۱ ساله را در پارک شهدای گمنام اراک رقم زد. این در حالی است که شهردار اراک با برکناری رئیس سازمان پارک‌ها و سیمانظرشهری، وعده داده که موضوع پیگیری می‌شود.

شامگاه دوشنبه، ۱۵ خردادماه، در پارک شهدای گمنام اراک در انتهای خیابان هیکو که یکی از شلوغ‌ترین پارک‌های شهر اراک به شمار می‌رود، حادثه تلخ سقوط مجسمه مرگ نوجوانی ۱۱ ساله را رقم زد.

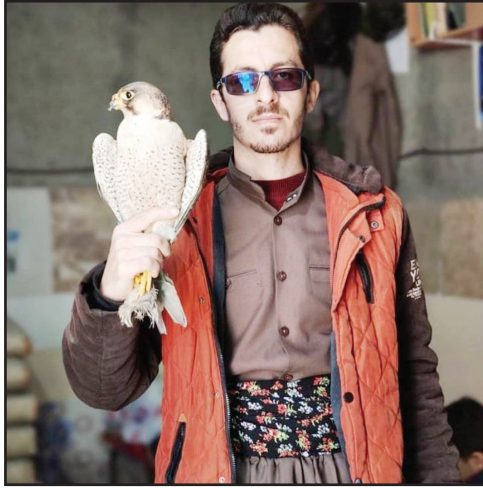
بهرروز ایران‌نژاد، رئیس اورژانس استان مرکزی، در تشریح حادثه گفت: «این اتفاق ساعت حدود ۲۳ دوشنبه شب رخ داد و سقوط مجسمه صدمات جدی به نوجوان ۱۱ ساله زد که بلافاصله مصدوم به نزدیک‌ترین پایگاه اورژانس ۱۱۵ اعزام شد. مصدوم علیرغم انجام عملیات احیای قلبی و ریوی توسط کارشناسان فوریت‌های پزشکی و انتقال به نزدیک‌ترین مرکز درمانی به محل حادثه، به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد.» به دنبال این حادثه، با حکم شهردار اراک، رئیس سازمان پارک‌ها و سیمانظر شهری برکنار شد. این در حالی است که پیش از ظهر دیروز، علیرضاکریمی، شهردار اراک، در گفت‌وگویی از برخورد با مسببان حادثه تلخ و ناگوار پارک شهدای گمنام خبر داد و ضمن اظهار همدردی و اعلام مراتب تسلیت و تأسف به خانواده این عزیز از دست رفته، گفت: «در این حادثه یکی از المان‌ها سقوط کرد و منجر به درگذشت این عزیز شد. به محض اطلاع از این حادثه، کمیته‌ای در شهرداری اراک مأمور بررسی موارد ایمنی و حدود تقصیر افراد مقصر شده و همزمان فرآیند رسیدگی حقوقی این موضوع نیز از مجموعه دادسرا در دست پیگیری است. با افرادی که قصوری در این حادثه داشته باشند، به صورت جدی برخورد قانونی خواهد شد. این المان از جایی دیگر جدا و به پارک شهدای گمنام منتقل شده بود که با ارتفاع بیش از ۱۷۰ سانت و وزن ۳۰۰ کیلو به هر دلیلی سقوط کرد. کارشناسان در حال بررسی حادثه هستند. شهرداری اراک برای جلوگیری از وقوع این قبیل حوادث، برخورد قانونی با مسببان را در دستور کار دارد.» شهردار اراک افزود: «در باره مجموعه وسایلی که برای کودکان و نوجوانان در این پارک با سایر پارک‌ها نصب شده است با توجه به حضور و نظارت سازمان استاندارد دائماً در حال پیگیری هستیم که هیچ مشکلی از نظر استانداردها نداشته باشند.»

رهایی نوجوان ۱۴ ساله از چنگ آدم‌ربایان

گروگان ۱۴ ساله از چنگ آدم‌ربایان در تهران رهایی یافت. ۳ گروگان‌گزار اتباع کشور همسایه در این حادثه دستگیر شدند. متهمان درخواست ۲۰ عدد سکه برای رهایی گروگان کرده بودند. سرهنگ محمد کردزی، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ، درباره جزئیات این پرونده گفت: «هفتم خردادماه، در پی زبایش نوجوانی ۱۴ ساله در راه مدرسه در شرق تهران، بلافاصله تیم‌هایی از پلیس وارد عمل شدند. در بررسی‌های به عمل آمده از شاهدان عینی در محل حادثه مشخص شد ۳ مرد از اتباع کشور همسایه، دختری را ربوده و به سرعت از محل متواری شده‌اند.»

او با اشاره به اینکه در ادامه مأموران با بررسی دقیق اظهارات خانواده فرد ربوده شده و سرنخ‌های به دست آمده، تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند، گفت: «آدم‌رباها طی تماسی با خانواده دختر درخواست ۲۰ عدد سکه تمام بهار آزادی برای رهایی‌اش کردند. پس از تحقیقات گسترده پلیسی و اعلام مشخصات دختر نوجوان به سایر واحدها، سرانجام ۱۴ خرداد ماه مأموران کلانتری ۲۰۸ پایانه جنوب به ۳ مرد و یک دختر که از شهرزیم وارد تهران شده بودند، مشکوک شدند و برای بررسی بیشتر نزد متهمان رفتند. آنان با مشاهده مأموران قصد پنهان کردن هویت دختر نوجوان را داشتند.»

پلیس با درایت دختر ربوده‌شده را شناسایی کرد و در اقدامی غافلگیرانه موفق شد او را صحیح و سالم از چنگال آدم‌ربایان آزاد کند. در ادامه عامل اصلی و ۲ همدست او نیز دستگیر شدند.» متهمان ۱۸ تا ۳۰ ساله در همان بازجویی‌های اولیه لب به اعتراف گشودند و به آدم‌ربایی با همدستی یکدیگر اعتراف کردند.



## گزارش «شهروند» از جزئیات قتل‌کشی اهالی «روانسر» را شوکه کرد

# پایان غم‌انگیز یک بزرگمرد

مریم رضاخواه [مریم رضاخواه] امانتدار نسل آینده بود. حافظ آب و هوا، خاک و گیاه، پناه زیست‌مندان، هم آتش‌نشان بود هم حامی حیوانات و محیط‌زیست. مربی بود و ورزشکار، خیرخواه انسان‌ها بود و حامی حیوانات. نجاتبخش بود و حامی کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست. نامش محمد کریمی است. بزرگمردی که درس از خودگذشتگی و فداکاری‌اش در روانسر دهان\* به دهان می‌چرخد. ۳۲ سال داشت اما با مرگش به همه نشان داد درس دلبری و شجاعت را به خوبی آموخته است. مرگی تلخ که در شب ۲۹ اردیبهشت ماه رقم خورد. می‌خواست نجاتبخش باشد اما تیزی چاقو بر گردنش فرود آمد.

### لحظات تلخ

«هواناریک شده بود. شیفت کاری ما بود. در ایستگاه آتش‌نشانی روانسر بودیم. ناگهان محمد را دیدیم. دستش روی گردنش بود. به سمت آتش‌نشانی می‌آمد.» اینها را صابر صالحی می‌گوید با بغضی که در گلویش خیمه کرده. همکار ۴۵ ساله محمد کریمی است. سه سالی با یکدیگر همکار بودند. از وقتی در آزمون استخدامی آتش‌نشانی شرکت کردند و قبول شدند.

«محمد وضعیت مساعدی نداشت. به سمتش رفتیم. گردنش زخمی شده بود. محمد سعی داشت با دستانش جلوی خونریزی را بگیرد. نمی‌دانستیم چه اتفاقی افتاده. یکی از همکاران مان به سمت جمعیتی رفت که در بلوار معلم تجمع کرده بودند. با اورژانس تماس گرفتیم، اما ترافیک مانع از ورود ماشین اورژانس شده بود. محمد را سوار خودرو کردیم و به بیمارستان بردیم. شاید ۱۰ دقیقه طول کشید اما چنان زخم محمد عمیق بود که اجازه حیات به او نداد.»

### فرار مردان چاقوکش

نفس در سینه صابر حبیب شده؛ یادآوری آن شب نحس، برایش سخت است. «جمعیت در بلوار دو خودرویی را نشان می‌دادند که به محمد ضربه زده بودند. دو خودرویی که از اهالی شهر روانسر نبودند و به سرعت متواری شدند.» مرد آتش از لحظات مرگ محمد می‌گوید: «آن روز شیفت کاری محمد در آتش‌نشانی نبود. او علاوه بر آتش‌نشانی، مدیرعامل انجمن حامیان طبیعت بود. نزدیک آتش‌نشانی، پارکی است که محمد در زمانی که شیفت نبود از حیوانات حمایت می‌کرد. حیواناتی که زخمی شده بودند یا نیاز به تیمار داشتند. آن شب هم، او در پارک مشغول تیمار حیوانات بود که صدای درگیری را می‌شنود. برای کمک به سمت دو خانواده‌ای می‌رود که با یکدیگر گلاویز شده بودند. می‌خواست میانجیگری کند اما جانش را گرفتند.»

### فعالیت‌های داوطلبانه محمد

انجمن حامیان طبیعت، «چرو» که به معنای جوانه است از سال ۹۰ توسط محمد کریمی تأسیس شد. ۱۲ عضو این انجمن به صورت داوطلبانه تلاش می‌کنند تا از حیوانات و محیط‌زیست حمایت و محافظت کنند. «محمد، نقش پررنگی در این انجمن داشت. او همیشه اعضای گروه را به کمک‌رسانی و حمایت از محیط‌زیست تشویق می‌کرد.» سامان فلاحی، یکی از اعضای این انجمن داوطلب است. پسر ۳۳ ساله‌ای که از دوران کودکی با محمد دوست و رفیق بوده تا در انجمن با یکدیگر هم‌مسیر شدند. «از همان سالی که این انجمن شکل گرفت با محمد همراه شدم. محمد بسیار خیرخواه، فداکار، اینارگر و از خودگذشته بود. خصایلی که از بطن خانواده‌اش سرچشمه می‌گرفت. پدرش فرهنگی بازنشسته است. معلم ما در دوره راهنمایی بود. خانواده بسیار نجیب و مهربانی هستند. آقای کریمی تنها دو پسر داشت. یکی محمد و دیگری حامد. حامد دو سال از محمد بزرگ‌تر است. او هم مانند محمد خصوصیات رفتاری بزرگ‌منشانه‌ای دارد. سبک زندگی و خصوصیات رفتاری خانواده کریمی با اکثر خانواده‌ها متفاوت است. محمد حتی کارت اهدای عضو داشت و همه ما را به داشتن کارت اهدای عضو تشویق می‌کرد.»

### قرار بزرگ

سامان با گذشت روزها از مرگ رفیق سال‌های دورش هنوز گیج و میبهوت است اما با دیگر اعضای انجمن قول و قرار گذاشته‌اند. «چند روز پس از قتل محمد به شدت حال روحی بغرنجی داشتم. نمی‌دانستیم حالا پس از محمد که پایه‌گذار فعالیت‌های داوطلبانه بود چطور انجمن را اداره کنیم. انجمنی که در سال ۹۳ در کشور نمونه شد و مورد تجلیل قرار گرفت. همان روزها بود که به خودمان قول دادیم راه محمد را ادامه دهیم و بیشتر از سابق در فعالیت‌های محیط‌زیستی شرکت داشته باشیم. تا وقتی محمد بود خیال مان راحت بود که اگر ما هم نباشیم او به تنهایی فعالیت‌های داوطلبانه را انجام می‌دهد و از محیط‌زیست و حیوانات در خطر حمایت می‌کند، اما محمد دیگر در این شهر نیست. او انجمن را به ما سپرد و

رفت و باید بیشتر از هر زمان دیگری یاری رسان طبیعت باشیم.»

### خانواده داغدار

پدر و مادر پس از محمد دیگر نای صحبت ندارند. به سختی پذیرای مردمان شهر هستند که در سوگ پسرشان سیاهپوش شده‌اند. یادآوری خاطرات محمد برایشان عذاب‌آور است. خاطراتی که با چشمانی اشکبار به پیشوازش می‌روند. خاطراتی که حالا آوار غم شده‌اند و بر سر خانواده آقای کریمی فرود می‌آیند. پدر که روزی معلم شهر بود حالا با مرگ محمد شکسته. مرد بازنشسته، روزهای رفته را آرام و بی‌صدا هزاران بار از ذهن گذرانده و اشک‌ها ریخته اما دیگر تاب گشتن ندارد. نمی‌تواند به ما بگوید چرا محمد را کشته‌اند؟ نمی‌تواند از اگر و ای کاش‌هایی بگوید که دیگر فایده‌ای ندارد. شماره ایوب رحمانی را می‌دهد، مردی که حالا در انجمن جانشین پسرش شده است، تا او از محمد بگوید. بگوید چرا کشته شد و سرانجام پرورده به کجا رسید.

### پس از محمد

شماره همراه محمد کریمی در صفحات حمایت از محیط‌زیست و باشگاه ورزشی رزم‌آوران هنوز خودنمایی می‌کند. شماره تلفن همراهی که به خواسته پدر محمد در اختیار ایوب رحمانی قرار گرفته است. مردی که حالا پس از محمد، مسئولیت انجمن به عهده اوست.

«وقتی محمد به قتل رسید مسئولیت انجمن به من رسید. تلفن همراه محمد را هم پدرش به من داد تا جوابگوی تماس گیرنده‌هایی باشم که بیشتر در حیطه فعالیت‌های عام‌المنفعه است. محمد ورزشکار هم بود. ۵۰ شاگرد داشت که در یک باشگاه رزمی، مربی آنها بود. شاگردانی که مقام آورده بودند و باعث سرفرازی شهرمان شده بودند. حالا باشگاه هم توسط دوست و همکار محمد اداره می‌شود.»

این را ایوب رحمانی می‌گوید. رفیقی که حالا پس از محمد به عنوان جانشین باید فعالیت‌های بزرگی را در کارنامه انجمن ثبت کند تا ادامه‌رو پایه‌گذار انجمن باشد. ایوب از همان شب منحوسی می‌گوید که محمد جانش را از دست داد و یک شهر را داغدار کرد. «دو خودرو خارج از شهر گویا با هم کل‌کل داشتند. دو خودرویی که از شهر دیگری بودند. از شهر پاه و کرمانشاه. دو خانواده بودند. درگیری هم سر بوق‌زدن بود. وقتی محمد که در پارک مشغول تیمار حیوانات بود، صدای درگیری را می‌شنود برای میانجیگری وارد مهله که می‌شود اما با چاقو به گردنش ضربه‌ای می‌زنند و متواری می‌شوند. محمد در بیمارستان بود که من خبردار شدم. وقتی رسیدم تمام کرده بود. دو ساعت از قتل نگذشته بود که پلیس، ضاربان را دستگیر کرد.»

### درگیری به خاطر بوق زدن

فرمانده انتظامی روانسر جزئیات بیشتری از این جنایت تلخ می‌گوید: «ساعت ۲۰:۳۰ جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه، وقوع یک درگیری و نزاع دسته‌جمعی منجر به قتل توسط سرنشینان خودروی پژو ۲۰۶ به پلیس گزارش شد و رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور با هدایت عملیاتی فرمانده انتظامی استان، به‌کارگیری عوامل انتظامی و تخصصی در شهرستان روانسر و مرکز استان، استفاده از شگردهای خاص پلیسی و همچنین کنترل محورهای مواصلاتی چهار نفر از عاملان این درگیری که متواری شده بودند در عرض کمتر از دو ساعت دستگیر شدند و خودروی آنها توقیف شد.» سرهنگ احمد رستمی ضمن اشاره به اعتراف صریح یکی از متهمان دستگیر شده به قتل، گفت: «درگیری بین دو راننده به خاطر بوق زدن صورت گرفته که مقول برای میانجیگری وارد صحنه شده و هدف ضربات چاقو قرار گرفته است.» در این زمینه با پیگیری مأموران، سلاح سرد به‌کارگیری شده در جریان قتل نیز کشف شد.

با اعترافات عاملان این جنایت، صحنه قتل بازسازی شد و متهمان برای سیر مراحل قانونی روانه زندان شدند. ✦



## ✦ مکث

### دستگیری سارقان قطعات سربی دیوارهای اتاق رادیوترایی بیمارستان امام رضا(ع)

دادستان عمومی و انقلاب استان کرمانشاه با بیان اینکه ۲ نفر از عوامل سرقت قطعات سربی دیوارهای اتاق رادیوترایی بیمارستان امام رضا(ع) دستگیر شده‌اند، از ادامه تحقیقات تادستگیری همه عوامل دخیل خبر داد.

با سرقت قطعات سربی دیوارهای اتاق رادیوترایی بیمارستان امام رضا(ع)، امواج رادیواکتیو نشت کرده و باعث در خطر قرار گرفتن کادر بیمارستان و همسایه‌ها شده است. شهرام کریمی، دادستان عمومی و انقلاب استان کرمانشاه، با اشاره به ماجرای سرقت از بیمارستان امام رضا(ع) شهر کرمانشاه، گفت: «حدود دو هفته پیش، بنا به گزارش مسئولان بیمارستان امام رضا(ع) کرمانشاه، موضوع سرقت قطعات سربی دیوارهای اتاق رادیوترایی این بیمارستان به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت. طبق تحقیقات اولیه مشخص شد که سارقان از پرسنل بیمارستان بوده‌اند و با همکاری پلیس آگاهی ۲ نفر دستگیر شدند.» دادستان کرمانشاه با بیان اینکه این ۲ نفر در حال حاضر در بازداشت به سرب می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد، افزود: «پرورنده سرقت از بیمارستان امام رضا(ع) کرمانشاه در یکی از شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب استان در حال رسیدگی است. یک تیم تخصصی پزشکی برای بررسی کامل زوایای این موضوع تشکیل شده تا مشخص شود که در حال حاضر «درزیمتری» در این بیمارستان به شکل صحیح در حال انجام است.» کریمی با تأکید بر اینکه هنوز آمار از میزان آسیب وارد شده به پرسنل و مراجعه‌کنندگان بیمارستان وجود ندارد، ادامه داد: «در صورت احراز تخلف یا ترک فعل مدیران بیمارستان، نسبت به تعقیب و بازداشت آنها اقدام می‌شود. همچنین طبق بررسی‌های انجام شده، سارقان حدود پنج میلیارد تومان به این بیمارستان خسارت وارد کرده‌اند. مجازاتی سخت در انتظار عاملین سرقت از بیمارستان امام رضا(ع) خواهد بود.» ✦